

هموطن عزیز، تردید را کنار بگذار

منبع: سایت زیتون، روز چهارشنبه، مورخ: ۹۶/۲/۲۷

صبح «امید» که بد معتکف پرده غیب
گو برون آی که کار شب تار آخر شد
ساقیا لطف نمودی قدحت پرمی بساد
که به «تدبیر» تو تشویش خمار آخر شد

قطار انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم به ایستگاه انتهایی و مقصد خود نزدیک می شود. با انصراف محمد باقر قالیباف و اسحاق جهانگیری، آرایش نیروهای سیاسی در فضای کنونی روشن تر شده و عملاً دو قطبی حسن روحانی / ابراهیم رئیسی شکل گرفته است. طی دو هفته اخیر، تحلیل ها و سخنان زیادی درباره وضعیت سیاسی کشور و چرایی حضور در انتخابات منتشر شده است؛ بنای تذکار و تکرار آنها را ندارم.

شخصاً بر آنم، بدین سبب که سفارت خانه و دفتر کنسولی ایران در کانادا وجود ندارد، به یکی از مرزهای کانادا و آمریکا^۱ بروم و در مکان مشخص شده توسط وزارت خارجه ایران، به حسن روحانی رای دهم؛ به دولت «تدبیر و امید» آری بگویم تا به رغم کارشکنی های بسیاری که می شود و بادهای ناموافق فراوانی که می وزد، راه طی شده در عرصه بین المللی را پیش برد و افزون بر سامان بخشیدن به امر اقتصاد و وضعیت معیشتی مردم، وعده های نقد نشده از دوره نخست ریاست جمهوری چون رفع حصر میر حسین موسوی، زهرا رهنورد و مهدی کروبی و همچنین تبدیل وضعیت امنیتی دانشگاه ها به وضعیت سیاسی را پی بگیرد و بدانها تحقق بخشد؛ تا فضای فرهنگی - سیاسی نیمه باز و نیم بندی که شکل گرفته، بسته نشود و به عقب برنگردیم و روزگار اسفناک گذشته را تجربه نکنیم.

می توان سخنان فوق را با مدد گرفتن از مکتب اخلاقی «فایده گرایی قاعده محور»^۲ هم توضیح داد. مطابق با آموزه های این نحله اخلاقی، کنشی به لحاظ اخلاقی موجه است که بیشینه شدن فایده و کمینه شدن درد و رنج برای بیشترین شهروندان را به همراه داشته باشد، کنشی که بتوان آنرا به صورت یک قاعده کلی در آورد. چنانکه در می یابم، در وضعیت کنونی، رای دادن به روحانی با عنایت به کارنامه چهار ساله گذشته و همچنین برنامه های کنونی دولت «تدبیر و امید» در عرصه های فرهنگ، اقتصاد، سیاست داخلی و سیاست خارجی، در قیاس با دو کاندیدای دیگر، ابراهیم رئیسی و مصطفی میرسلیم، متضمن تولید درد و رنج کمتر برای عموم شهروندان است؛ افزون بر این می تواند در میان مدت فایده بیشتری را نیز رقم زند. لازمه این سخن این است که مشارکت در انتخابات و رای دادن به حسن روحانی، کنشی اخلاقی و موجه است.

۱. مرز «بافلو»

۲. Rule - Utilitarianism

در این نوشتار، روی سختم با کسانی است که هنوز مردد اند و در تردید بسر می برند، افرادی که به سبب تلخی های ناشی از وعده های محقق نشده روحانی و اصناف ناکارآمدی ها و کاستی های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور، دل خوشی ندارند و با سیاست قهر کرده و عطای کنش سیاسی را به لقای آن بخشیده اند. به روایت ایشان، مشارکت و یا عدم مشارکت سیاسی، در سرنوشت سیاسی نقشی ایفا نمی کند و در بهترین حالت، به مشروعیت نظام کمک می کند، بدون اینکه از رای دادن طرفی بیندیم و در این میان نصیبی بریم؛ تحلیلی که به نظرم ناموجه و گمراه کننده است و راهی به جایی نمی برد.

دو روز پیش، فیلم گردهمایی طرفداران حسن روحانی در ورزشگاه آزادی را می دیدم؛ جمعیت موج می زد و زنان و مردان و جوانان و میان سالان کثیری در مراسم حضور یافته و حمایت خود از رئیس جمهور کنونی را مشتاقانه و شورمندانه ابراز می کردند. مشاهده چند صحنه در این گردهمایی برایم تکان دهنده بود. حضور پروین فهیمی، مادر زنده یاد سهراب اعرابی که از نمادهای جنبش سبز سال ۸۸ است؛ نازنینی که جان عزیزش را بر سر آرمان های بلند و پاک خویش گذاشت و به سمت بی سو پرواز کرد و نامی نیک از خود برجای گذاشت، انصافا عبرت آموز بود. با دیدن صحنه هایی که مادر رنج دیده سهراب لبخند می زد و با تکان دادن پرچم ایران، حمایت خود از روحانی را ابراز می کرد، اشک در چشمانم حلقه زد و گونه هایم تر شد. پروین فهیمی عزیز، به رغم درد جانکاهی که هشت سال است بسان صلیبی بر دوش خود حمل می کند و هنوز پاسخ ظلم آشکاری را که بر او و خانواده اش رفته نگرفته، صحنه را ترک نگفته و دوشادوش دیگر شهروندان، در پی تحقق آرمانها و دغدغه های مدنی و انسانی خویش از طریق مشارکت در انتخابات پیش روست. افزون بر این، حضور باران کوثری، بازیگر و هنرمند سرشناس کشور نیز تحسین برانگیز بود. وی که به گفته خود در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد ممنوع الکار بود، در سخنان خویش در گردهم آیی «سلام آزادی»، از افرادی یاد کرد و نام برد که به احترام ایشان رای می دهد، عزیزانی که رنج های بسیار برده و هزینه های گزاف پرداخته، اما خم به ابرو نیاورده و غر نزرده و قهر نکرده و تسلیم نگردیده و بر آند تا در انتخابات پیش رو شرکت کنند و به حسن روحانی رای دهند: محمد خاتمی، بهاره هدایت، پروین فهیمی، مصطفی تاجزاده و فخر السادات محتمشی پور. می توان به این فهرست، افرادی چون میر حسین موسوی، زهرا رهنورد، مهدی کروبی، بهزاد نبوی، عماد بهاور... را نیز افزود.

اگر بنا به تلخ شدن و رو ترش کردن باشد، قاعدتا نازنینی که ذکرشان رفت، به خاطر آنچه در هشت سال اخیر بر ایشان رفته، بر دیگران اولی اند و حق تقدم دارند، که از راحت خویش گذشته و آسودگی یاران را طلبیده و رنج سالها زندان و سختی و دوری از خانواده را تحمل کرده و برای مایوس شدن و به کنج عزلت خزیدن و ملول شدن و افسرده گشتن و یا مردد شدن، شواهد مکفی در دست خویش و به نزد دیگران دارند. اما، آنها چنین نکرده و دست از طلب برنداشته و مجدانه و صادقانه پای در میدان نهاده، عزم رای دادن کرده و در عین حال دیگر شهروندان را هم به شرکت در انتخابات فرا خوانده اند.

هموطن عزیز می که همچنان در تردید بسر می بری؛ هر چند در داخل کشور با مشکلات عدیده ای دست و پنجه نرم می کنی، هر چند دولت اختیارات بسیار ندارد و نهادهای انتصابی متعددی ما را احاطه کرده اند؛ هر چند انتقادات موجهی به کارنامه دولت «تدبیر و امید» وارد است؛ در عین حال، اگر در انتخابات شرکت نکنی و از مجالی (ولو اندک) که در تعیین سرنوشت خود برخوردار می، استفاده نکنی؛ کاملاً متصور است که در عرصه های اجتماع و اقتصاد و فرهنگ و سیاست، با وضعیت تلخ تری مواجه شوی و روزگار تراژیکی را تجربه کنی. امر سیاسی، چه بخواهی، چه نخواهی، چه بپسندی، چه نپسندی، چه اذعان کنی، چه اذعان

نکنی؛ با زندگی ما سخت گره خورده، خود را بر ما تحمیل می کند، به نحوی که نتایج ملموس آنرا با گوشت و پوست و خون خود می چشیم.

با رای دادن به حسن روحانی، البته ایران گلستان نمی شود و مشکلات یکدفعه از میان رخت بر نمی بندد، اما رای ندادن به او و مجال را برای ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی و دولت مسما به «کار و کرامتش» فراهم کردن، قطعاً بر میزان مشکلات می افزاید و مصیبت ها و گیر و گرفت های صعب و دل آزار و رمانده ای را در عرصه های گوناگون پدید خواهد آورد. مسیر تحقق ساز و کار دموکراتیک و حقوق بنیادین انسانی در ایران کنونی، مسلماً پر سنگلاخ و متلاطم و ناهموار است؛ در عین حال با پشت کردن و روی بر تافتن و رای ندادن هموار نمی گردد. نباید ناشکیابی پیشه کرد و دل سرد شد؛ صبوری پیشه کردن و امیدوار بودن به رغم تمام تضییقات و محدودیت های بالفعل و موجود، در اینجا دست بالا را دارد، که «صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند» و «رهرو آنست که پیوسته و آهسته رود».

در قیاس با تجربه برخی دیگر از کشورها، چهل سالی که از انقلاب بهمن ۵۷ می گذرد، زمان بلندی نیست و برای عبور از دوران گذار و نهادینه شدن ساز و کار دموکراتیک در ایران زمین باید صبورتر و امیدوارتر و واقع بین تر بود و به تحقق تحولات اجتماعی پایدار و ماندگار در میان مدت اندیشید و دست رد به سینه یاس زد و آنرا فرو نهاد. در عین حال، با عنایت به تجربه دولت «تدبیر و امید» در چهار ساله نخست، و با توجه به سخنان حسن روحانی در مناظرات و سخنرانی های پانزده روز اخیر، می توان امیدوار بود که اگر رئیس جمهور در روز جمعه پیش رو رای بالایی اخذ کند، در دوره دوم ریاست جمهوری خود در پیگیری مطالبات و خواسته های دموکراتیک و مدنی شهروندان با جدیت و صلابت و صداقت بیشتری رفتار کند.

هموطن عزیز، اگر در پی دست کم افزایش نیافتن میزان درد و رنج خود و بستگان و دوستان و هم میهنانت در سالیان پیش رو هستی، اگر دلمشغول نهادینه شدن ساز و کار عقلانی و به محاق رفتن پوپولیسم در سطح تصمیم گیری های کلان کشور هستی، اگر در پی کاسته شدن از حجم معضلات اقتصادی و معیشتی به نحو روشمند و بنیادین هستی، اگر در اندیشه تحقق مدارا و مدنیت و حقوق بنیادین شهروندی در میان مدت هستی، اگر نمی خواهی به روزگار ویرانگر سپری شده برگردی، تردید را کنار بگذار و با رای دادن به روحانی در وضعیت خطیر و حساس کنونی، در سرنوشت خود و مملکت نقش ایفا کن:

«من اگر برخیزم
تو اگر برخیزی
همه بر می خیزند
من اگر بنشینم
تو اگر بنشینی
چه کسی برخیزد؟»